

Autumn and Winter 2024, 1 (2), 150-161.

A look at the Tatbir tradition and its social consequences in the Qajar period (1789- 1925 AD) from the perspective of European travelers

Alireza Golshani¹  | Farideh Farzi² 

1. Corresponding Author, Postdoc Researcher of History of Islamic Iran, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, TEHRAN, IRAN. E-mail: golshani_22@yahoo.com
2. PhD of the History of Islamic Iran, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University of Qazvin, QAZVIN, IRAN. E-mail: farzi.farideh@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research	Many beliefs that are based on ideology or are beyond testing, observation, and experience are known as superstitions. One of the important factors of social backwardness in the Qajar period, which was fueled and pushed Iran backward compared to other civilized nations of contemporary history, was some extremely superstitious traditions that also paved the way for a period of intellectual and ideological decline in the religious and religious principles of Iranian Shiites. The tradition of beating people with a stick, whose emergence dates back to the Safavid period, reached its peak during the Qajar period; to the point where it endangered public health and hygiene. The tradition of beating people with a stick in Iran was suddenly supported by the rulers and some scholars and became very popular, and this issue tarnished the image of Shiism in the world of that day. This issue has been given great attention by Iranian historians of the Qajar period and foreign tourists as one of the superstitious traditions of the Iranian Shiite community. In this research, with the help of documents, memoirs, local history texts, and travelogues of foreign travelers, the status of the tradition of beheading and its consequences on social developments during the Qajar period are examined.
Article history: Received: 6 August 2024 Accepted: 21 October 2024 Published online: 3 February 2025	
Keywords: Tatbir, Muharram mourning, Social History, Qajar period, Iran.	

Cite this article: Golshani, Alireza, Farzi, Farideh, Initial. (2024). A look at the Tatbir tradition and its social consequences in the Qajar period (1789- 1925 AD) from the perspective of European travelers. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (2), 150-161.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.720151>

سال اول، شماره اول (پیاپی ۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ۱۵۰-۱۶۱.

نگاهی بر سنت قمه زنی و پیامدهای اجتماعی آن در دوره قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ شمسی) با محوریت دیدگاه سیاحان خارجی

سید علیرضا گلشنی^۱ | فریده فرزی^۲

۱. پسا دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: golshani_22@yahoo.com
۲. دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. رایانامه: farzi.farideh@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	بسیاری از باورهایی که پایه و اساس عقیدتی و یا خارج از آزمون، مشاهده و تجربه است، تحت عنوان خرافات شناخته می‌شود. یکی از عوامل مهم عقب ماندگی اجتماعی در دوره قاجار که به آن دامن زده شد و ایران را در برابر سایر ملل متمدن تاریخ معاصر به عقب راند، برخی از سنت‌های به شدت خرافی بود که زمینه ساز دوره انحطاط فکری و عقیدتی در مبادی دینی و مذهبی ایرانیان شیعه نیز شد. سنت قمه زنی که ظهور آن به دوره صفوی باز می‌گردد، در دوره قاجار به اوج خود رسید؛ تا جایی که سلامت و بهداشت عمومی را به خطر انداخت. سنت قمه زنی در ایران به یک باره از سوی حکومت گران و بعضی از علما مورد حمایت قرار گرفت و بسیار رواج پیدا کرد و این مسئله سبب خدشه دار شدن چهره تشیع در جهان آن روز گردید. این موضوع از سوی مورخان ایرانی دوره قاجار و سیاحان خارجی به عنوان یکی از سنت‌های خرافی جامعه ایرانی شیعه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش با کمک اسناد، خاطرات، متون تاریخ محلی و سفرنامه سیاحان خارجی به بررسی وضعیت سنت قمه زنی و پیامدهای آن در تحولات اجتماعی در دوره قاجار پرداخته می‌شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶	
پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵	
کلیدواژه‌ها:	
قمه‌زنی، عزاداری ماه محرم، تاریخ اجتماعی، دوره قاجار، ایران.	

استناد: گلشنی، سید علیرضا، فرزی، فریده (۱۴۰۳). نگاهی بر سنت قمه‌زنی و پیامدهای اجتماعی آن در دوره قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ شمسی) با محوریت دیدگاه سیاحان خارجی. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۲)، ۱۵۰-۱۶۱.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

۱. مقدمه

یکی از مراسم‌های مهم در مذهب تشیع، مراسم عزاداری ماه محرم و صفر است. در دوره‌های آل بویه و صفویه برای برپایی عزاداری امام حسین^(ع) حمایت‌های مهمی انجام شد. در عصر قاجار، عزاداری امام حسین^(ع) کاملاً نهادینه شد و به صورت امری عمومی و مردمی درآمد؛ به طوری که در تهران و شهرهای بزرگ در ماه‌های محرم و صفر مردم با برپا کردن چادر و گستردن فرش و نصب عَلم و کتل عزاداری می‌کردند. هر فردی یا هر صنفی و دسته‌ای، طبق نذر خود به این کار دست می‌زد و آن را نوعی فریضه مذهبی می‌دانست. در بسیاری از کتاب‌ها و سفرنامه‌هایی که پیرامون اوضاع اجتماعی ایران در دوره قاجار به جای مانده، مردم ایران به عنوان مردمی خرافاتی و معتقد به سحر و جادو معرفی می‌شدند. تفاوت میان سنت با خرافه در دوره قاجار چندان قابل تفکیک نبوده و بسیاری از اعمال خرافی، سنت تلقی شده و چه سنت‌هایی که به صورت عملی خرافی در جامعه وجود داشته است. کلارا رایس سفرنامه‌نویس انگلیسی و همسر یکی از اعضای هیئت اعزامی مذهبی و تبلیغی مسیحی ساکن جلفای اصفهان بوده است. رایس در مورد وضعیت اجتماعی ایران دوره قاجار این چنین گفته است: «ایران را دریایی از افکار و اعمال خرافی فرا گرفته است. البته مشکل بتوان کسی را یافت که به مسائل خرافی خاصی معتقد نباشد. اما ایران کشوری است که در آن زندگی و رفتار هر فرد، کمابیش تحت تأثیر این گونه افکار و اعمال است» (رایس، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

در تاریخ‌نگاری به موضوع قمه‌زنی آن هم با نگاهی موشکافانه و از منظر تاریخ اجتماعی و تاریخ محلی کمتر توجه شده است. قمه‌زنی عنوان مراسمی است که در نواحی شیعه نشین دوره قاجار عمومیت داشته و توسط برخی از عزاداران امام حسین^(ع) انجام می‌شد. مردم با این حرکت به

مجرور و شهید شدن سیدالشهداء^(ع) و شهیدان کربلا یا به عنوان اظهار آمادگی برای خون دادن و سر باختن در راه امام حسین^(ع) واکنش نشان می‌دادند. شرکت کنندگان در این مراسم، صبح زود روز عاشورا، با پوشیدن لباس بلند سفید کفن، به صورت دسته جمعی قمه بر سر می‌زنند و خون، از سر بر صورت و لباس سفید جاری می‌شود. بعضی هم برای قمه‌زنی نذر می‌کنند. همچنین برخی نذری را درباره کودکان خردسال خویش انجام می‌دهند و بر سر آنان تیغ می‌زنند، تا از محل آن، خون جاری گردد.

این تحقیق درصدد روشن کردن بخشی از تاریخ اجتماعی دوره قاجار با موضوع قمه‌زنی است. اهمیت بحث قمه‌زنی و تحقیقاتی که برای این موضوع صورت گرفته باعث شده که ذهن بسیاری از محققان و پژوهشگران تاریخ معاصر ایران؛ به ویژه تاریخ دوره قاجار و محققین علوم دینی به این موضوع جلب شود. کتاب‌های اولیه و تحقیقات جدید، مقاله‌های اطلاع رسانی دینی و پایان نامه‌های دانشگاهی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی است که در مورد سنت قمه‌زنی در ماه محرم مطالب مهمی ارائه می‌دهد. با این حال، پژوهش‌های محدودی با دید تاریخ‌نگاری اجتماعی و از منظر سیاحان خارجی به این موضوع نگاه کرده‌اند. کتاب ریشه‌های تاریخی آیین‌های سوگواری شیعیان (قمه‌زنی و زخمی کردن بدن)، (۱۳۹۸) تألیف جبوری یا مقاله «دیدگاه سیاحان غربی به مراسم محرم در دوره قاجار»، (۱۳۹۱) نوشته آئینه وند و دهقان حسام پور، «قرلباشان ایناللو و قمه‌زنی در شهر چادگان» (۱۴۰۱) اثر عبداللهی و رنجبر تحقیقات مهمی هستند که به ریشه یابی تاریخ اجتماعی سنت قمه‌زنی در دوره قاجار پرداخته‌اند. در این پژوهش تلاش بر این بوده تا به کمک اسناد، سفرنامه‌نویسان خارجی، متون تاریخی دوره قاجار و عکس‌های تاریخی باقیمانده از این زمان، سنت

خرافی قمه زنی و پیامدهای آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۲. سنت قمه زنی در دوره قاجار

دوره صفوی را شروع قمه زنی می‌دانند، چنان که افواج فدائیان، از ترکان قزلباش، همیشه به نشانه آماده به خدمت، سرشان را می‌تراشیدند (عبداللهی و رنجبر، ۱۴۰۱: ۷۷؛ حسام مظاهری، ۱۳۸۵: ۴۲). نخستین گزارش قمه زنی به ابن طولون، محدث، فقیه، ادیب و مورخ مربوط می‌باشد که چند ماه پیش از تأسیس حکومت صفوی، از قمه زنی در ابتدای سال ۹۰۷ ق سخن گفته است:

در روز عاشورا گروهی از اوباش عجم و قلندرها دور هم جمع شدند و به رسم رافضی‌ها (قزلباشان) صورت و پیشانی خود را زخم زدند و خون‌آلود کردند و کارهای دیگری از این قبیل انجام دادند (ابن طولون، ۱۴۱۸: ۱/ ۱۹۸).

البته در الکامل فی التاریخ ابن اثیر این سنت به هزاران سال قبل مربوط شده:

ترکان پس از شکست و کشته شدن سردارشان کورصول از نصر بن سیار در ماوراءالنهر به نشانه ماتم و عزاداری، خانه‌های خود را آتش زدند و گوش، مو و بینی خود را با قمه بریدند و مشغول عزاداری و ماتم شدند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۴/ ۱۴۲).

اگر این سخن ابن اثیر را در مورد اثرگذاری ترکان در جامعه سنتی ایران و عراق را بپذیریم؛ باید شیعه شدن ترکان قزلباش را عاملی برای انتقال فرهنگ قمه زنی در عزاداری امام حسین^(ع) در ماه محرم بدانیم؛ چرا که تا قبل از حضور ترکان در مراسم عزاداری هیچ گزارش تاریخی رسمی از قمه زنی در تاریخ شیعه ثبت نشده است. شاید بتوان نمای دیگری از سنت قمه زنی را با سنتی کاملاً مسیحی - با تعبیر تطبیر (Tatbir) - که از لحاظ تاریخی با مراسم نمایش مصائب (Passion Play) همراه است مقایسه کرد. مراسمی مذهبی که از قرن دهم تا چهاردهم میلادی در غرب آغاز شد. این سنت در واقع به جامعه مسیحیت کاتولیک تعلق دارد. این

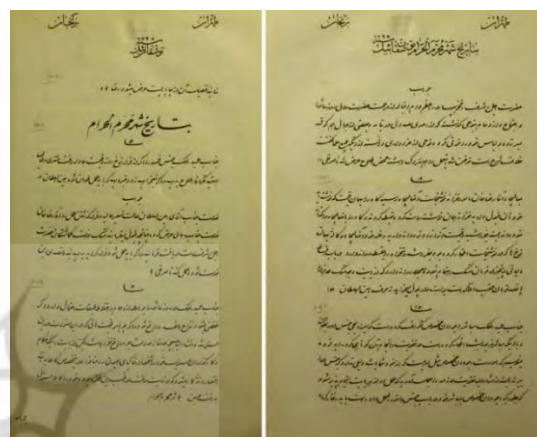
سنت مذهبی که به نمایش تئاتر شبیه است، با نمایش واقعی صلیب کشیدن، فرو کردن میخ در دستان، قمه زنی و تیغ زنی در جامعه سنتی مسیحی در کشورهایی مانند لهستان، رومانی، اسپانیا و فلیپین به نمایش گذاشته می‌شود و بسیار رعب‌آور است (Monk, 1998: 108).

نکته‌ای که نمی‌توان به طور دقیق مشخص کرد، جنبه ورود بحث قمه زنی در جامعه ایرانی دوره قاجار و چگونگی پذیرش این شیوه عزاداری در میان طبقات پایین جامعه است. ورود افکار خرافی در ماه محرم از جمله مسائلی است که به صورت آرام‌آرام وارد مراسم عزاداری گردید. این اعتقادات خرافی هر چه به پایان دوره قاجار نزدیک می‌شد در هنگامه عزاداری برای امام حسین^(ع) در ده روز اول ماه محرم به یک باره امکان ظهور پیدا می‌کرد. بر مبنای روایت عبدالله مستوفی در شرح زندگانی من یکی از روضه‌خوانان این عمل را از ملا آقادر بندی دانسته و آورده: «تیغ زدن روز عاشورا از کارهایی است که این آخوند در بندی در سوگواری وارد یا لامحاله آن را عمومی کرده و عمل حرام را موجب ثواب پنداشته است». مستوفی در ادامه تأکید کرده است:

این آخوند بیچاره از راه اخلاص به خانواده رسالت و ثواب رساندن به مردم، کار روضه و روضه‌خوانی را از خرقه در کرده و به عنوان تسامح در ادله سنن تا توانسته است اخبار ضعیف و عقاید سخیف وارد روضه‌خوانی نموده است. ترک‌های عوام هم این عزاداری را پذیرفته‌اند و این خلاف شرع بین جز و عزاداری و کار ثواب وانمود شده است. چنانکه ذکر شاخسین و اخسین (شاه حسین! و اخسین!) و حیدر! صفدر! که قبل از تیغ زنی معمولاً می‌گفتند، ذکر ترکی و همیشه ترک‌های معتقد بوده‌اند که به این عزاداری می‌پرداخته‌اند و اهالی عراق اگر هم در این عزاداری شرکتی می‌کرده‌اند، خیلی از حیث نفرت بی‌اهمیت بوده‌اند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/ ۲۷۶-۲۷۷).

این ادعای مستوفی را می‌توان با سندی که از نامه تلگراف حاکم زنجان به تهران در محرم الحرام ۱۲۹۶ ق همزمان با دوره پادشاهی ناصرالدین شاه و صدارت میرزا حسین خان

سپهسالار بوده تطبیق داد. در این سند به صراحت از عمل جاهلان قه‌زنی آن هم از سوی افرادی که جز طبقات عامی هستند سخن به میان آمده و نامشروع بودن این سنت از سوی علمای دینی که «ظاهراً این عمل را بدعتی می‌دانستند که در آن زمان به تازگی رسمیت یافته است» (ساکما، ۸۰۹۳/۲۹۵).



تصویر ۱: تلگراف حاکم زنجان به فهرست تلگراف‌های ارسالی و دریافتی از ولایات به تهران

سنت و رسم تیغ‌زنی و قه‌زنی در دوره ناصری به یکی از شاخصه‌های مهم عزاداری تبدیل شد. آن چنان که اگر از زاویه هنری به موضوع قه‌زنی پرداخته شود، در بسیاری از تصاویر کاشی‌های اواخر دوره قاجار سنت قه‌زنی مشهود است (شیرزادی، ۱۳۹۸: ۸۲).



تصویر ۲: تکیه معاون‌الملک در کرمانشاه حدود سال ۱۳۲۰ ق توسط اصغر معمار باشی در محله آبشوران قدیم بنا شده است.

همچنین روزنامه خاطرات عین‌السلطنه در مورد قه‌زنی و تیغ‌زنی نکات بسیار جالبی ارائه کرده است:

شب را خانه محمد حسن میرزا مانده بودیم که صبح زود روضه سادات اخوی برویم. رفتیم جای خوبی نداشتیم. یعنی محمد حسن میرزا باعث شد. امسال قه‌زن و تیغ‌زن از همه ساله افزون بود. سابقاً منحصر به جماعت اترک بود لیکن امساله اغلب فارس‌ها قه‌زده بودند. در هر دسته شهری سی چهل نفر قه‌زن بود. بد حرکتی است. سالی چند نفر هلاک می‌شوند. شرعاً هم ممنوع [است] اما آقایان حکم به حرمت آن واضح نمی‌کنند. از آنجا بیرون آمده مسجد شیخ عبدالحسین آمدیم. در راه آنقدر جمعیت بود که حد و اندازه نداشت... پنجشنبه به علاوه اشخاص دیشب پسرهای مختار السلطنه مرحوم، خیبر همایون و چند نفر دیگر صبح را آمدند. مسجد شیخ جا نبود. تمام بازار پر از زن و مرد بود. دسته‌های سینه‌زن متصل می‌گذشت. طهرانی و فارس‌های ما هم قه‌زنی را از ترک‌ها یاد گرفته‌اند. در میان هر دسته جمعی قه‌زن فارس بود. تیمچه آقا هدایت کفش دوزها روضه دارند. آنجا رفته بعد از استماع ذکر مصیبت سبزی میدان رفتیم. همیشه شب نهم ربیع الاول يك اتفاقی می‌افتد که آدم قهراً غمگین می‌شود. در این روزهای مقدس اسبابی فراهم می‌شود که مشغولیات دیگر پیدا می‌کند... و به جای عبادت تمام را معصیت می‌کند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۲/۱۲۵۵؛ ۳/۱۹۵۰).

نکته‌ای که از سوی تاریخنگاران اجتماعی ممکن است کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد، وجاهت و اهمیتی است که دسته قه‌زنی‌ها برای مردم دوره قاجار داشته‌اند؛ تا آنجا که می‌توانستند محکومین و زندانیان را آزاد نمایند. دوستعلی خان معیرالممالک پسر نوه دختری ناصرالدین شاه در رجال عصر ناصری آورده که دسته لوطیان روز عاشورا نقش مهمی در تهران داشتند:

صبح عاشورا، افراد قه‌زن در امامزاده زید جمع می‌شوند و کفن بر گردن انداخته، فرقه‌ای سرشان را به ضرب تیغ می‌شکافتند. آنگاه گروهی از آنان به سوی تکیه دولت و گروهی به طرف مجلس تعزیه‌داری که سید نصرالدین نایب‌السلطنه برپا می‌ساختند، راهی می‌شدند. دسته‌ای نیز بدن را سوراخ کرده کارد و قه و قفل دسته‌های گران از آن می‌گذرانند. هر سال تیغ‌زن‌ها، بنابر رسمشان، از دولت می‌خواستند تنی چند از زندانیان را آزاد کند و شاه نیز به آن‌ها می‌بخشید. اما در یکی از

سال‌ها، قمه‌زن‌ها چند نفر مجرم نابخسودنی را از شاه خواستار شدند. شاه (ناصرالدین شاه قاجار) خودداری کرد. خونی‌ها یعنی لوطیانی که بعد از زدن قمه صورت و سرشان خون آلود شده بود، سماجت و اصرار کردند. شاه صبرش لبریز شد و حاجب‌الدوله را با صدای بلند گفت: تا متمردين را دماغ و گوش کنند یعنی مجازات و تنبيه کنند. ولی با صدای آهسته دستور داد که صدمه‌ای به آنان نرسد. چون میرغضب‌بان به میدان رفتند، دسته‌ای رو به فرار نهاده، گروهی از ترس زیر چادر زنانی که برای تماشا آمده بودند؛ پنهان گشتند. دست آخر شاه از این حالت خنده‌اش گرفت و چند تن دیگر را آزاد کرد (معیرالممالک، ۱۳۹۱: ۶۷).

پس از پیروزی انقلاب مشروطه، مسئله رهایی زندانیان خطرناک با سرعت بخشیدن محاکمه و اعدام فوری آنان بی اثر می‌شد. در جلد دوم حیات یحیی آمده:

در اواخر ذی الحجه ۱۳۲۵ در موضوع مجازات اشرار میدان از طرف مجلس و ملیون شاه و دولت سخت گرفته می‌شود و به کرات روحانیان مجلس جمع شده در این باب صحبت می‌دارند چون چهار نفر از اشرار که صنیع حضرت و مقتدر نظام و سید کمال و اسمعیل سلطان باشند روز اول واقعه درب مجلس آمده تیراندازی کرده‌اند و هم در میدان توپخانه این چند تن بیشتر از دیگران شرارت نموده‌اند در این وقت که آن‌ها در حبس نظمیه هستند مقرر می‌شود درباره ایشان حکم مجازاتی صادر گردد دو سه روز به آخر ذی الحجه مانده تصور می‌کنند نباید گذارد مجازات آن‌ها به محرم برسد مبادا در روز عاشورا دسته‌های قمه‌زن را تحریک نماید آن‌ها را از حبس نجات بدهند چونکه معمول است قمه‌زن‌ها در آن روز از حکومت محل حبسی می‌خواهند و حکومت‌ها ناچارند به آن‌ها بدهند این است که تعجیل کرده يك روز در مجلس جمع شده از مجتهدین مجلس تقاضا می‌کنند حکم شرعی مجازات آن‌ها را بنویسند (دولت-آبادی، ۱۳۷۱: ۱۸۹/۲).

همچنین هانری رنه دالمانی در اثر خود از خراسان تا بختیاری بعد از معرفی سنت قمه‌زنی در روز عاشورا در تهران بر این مطلب صحه گذاشته است:

در روز عاشورا دسته دیگری هم به این دسته اضافه می‌شود، افراد این دسته کسانی هستند که نذر کرده‌اند در این روز خون خود را در ماتم شهدای کربلا بریزند، آن‌ها موهای سر را تراشیده، کفن سفیدی هم می‌پوشند و یا حسین‌گویان قمه به سر خود می‌زنند و خون از سر و روی آن‌ها جاری می‌گردد و روی کفن می‌ریزد، پس از جاری شدن خون هیجانی در آن‌ها تولید می‌شود و اگر از آنان جلوگیری نشود خود را با قمه هلاک می‌کنند، اشخاصی هستند که چوب‌هایی به دست دارند و آن‌ها را جلو قمه می‌گیرند تا ضربات به سرها وارد نیایند و بدین ترتیب از ریختن خون زیاد جلوگیری می‌نمایند، معهذا بعضی به واسطه خونریزی زیاد از پا در می‌آیند و یا اقلا مدتی مریض می‌شوند. خلاصه این دسته قمه‌زن پس از خروج از تکیه و گردش معمولی نزد رئیس پلیس می‌روند و از او تقاضای رهایی زندانیان را می‌کنند و او نیز غالبا به درخواست‌های آنان تن در می‌دهد و يك یا دو نفر زندانی را به آنان می‌بخشد. اغلب اشخاص ثروتمند که یکی از افراد خانواده آن‌ها زندانی شده است و نتوانسته‌اند وسایل آزادی او را فراهم نمایند متوسل به دسته‌های قمه‌زن می‌گردند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۹۲-۱۹۳).

نگاه دالمانی به فقر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه دوره قاجار معطوف شده که منجر به سوءاستفاده عوامل قدرت و ثروت از روحیه و احساسات افراد محروم جامعه شده است. مورخان تاریخ محلی نیز در آثارشان از سنت قمه‌زنی بسیار یاد کرده‌اند. شهری باف در طهران قدیم این سنت را بیان کرده است:

گاهی قمه‌زدن از حد خارج و به افراط کشیده می‌شد به گونه‌ای که وقتی معرکه گرم و قمه‌زنان از خود بی خود می‌شدند نظم و نسق از میان رفته، پهنا و لبه و پشت و دم حربه‌ها و مقدار زدندشان فراموش نموده، چه زیاد از ایشان که جهت خودنمایی که تمام کفن خونین نموده اسم در بکنند، چنانچه بی خودانه قمه قداره بسر می‌کوفتند که گاهی دم آن‌ها از پوست و گوشت گذشته به جمجمه و گاهی به مغز سرشان می‌رسید.... وقتی قمه‌زن قمه خود را زده، به دوشش گرفته به دوا و درمان و جراح و معالجش برسانند (شهری باف، ۱۳۸۳: ۴۱۱/۲؛ افشار، ۱۳۷۰: ۷۶).



تصویر ۳: قمه‌زن‌ها با کفنی سفید در تهران

مسئله مهم افراط‌ها و تفریط‌هایی است که در جامعه ایرانی همواره قابل مشاهده بوده است. رقابت و چشم و هم چشمی افراد و دسته‌های مختلف، یکی از ویژگی‌های عزاداری در ایران است. مردم تا مدت‌ها بعد از اتمام مراسم عزاداری می‌توانستند به تمجید از رفتار قمه‌زنان بپردازند. برای مثال بیان می‌کردند:

فلان کس استخوان سرش دریده تا ساعت‌ها بیهوش افتاده بود و آن یک چطور چپ و راست زده که جراح از بخیه زدنش عاجز مانده بود و آن دیگری چگونه همه را که دیگر نفسش قطع شده بود، ترسانده و آن دیگری چطور در دم آخر که جان می‌داد، هنوز حسین حسین می‌نمود، به علاوه اظهار افتخارات بزرگتر که امسال از دسته فلانی چند نفر مرده بود در حالی که از دسته ما دو برابر کشته شده بود (شهری‌باف، ۱۳۸۳: ۴۱۲/۲).

واقعیت این بود که زخم خورده‌های قمه‌زنی در ساعات اولیه نمی‌مردند، بلکه در روزهای بعد تلف می‌شدند. تا آخر ماه صفر حجله‌های مرگ، سوم، هفت و چهلم‌شان جلو خانه‌ها و مساجد محلاتشان گذاشته می‌شد. در این زمان بود که تعریف و تمجید میان مردم آغاز می‌شد که چگونه در راه امام حسین^(ع) جان دادند و خداوند از این سعادت‌ها نصیب همه نماید. اصلاح عربانی در اثر خود به نام گیلان بیان کرده است:

قمه‌زنی از شکل‌های قدیمی دسته‌گردانی و عزاداری ماه محرم همانند سایر مناطق ایران بوده است. قمه‌زنان لباس سپید بلندی می‌پوشند، سرشان را می‌تراشند و پایشان را برهنه می‌کنند و

حیدر حیدر گویان و هماهنگ، قمه را بر سر و پیشانی خود می‌زنند. چهره و لباس سفید و به خون آغشته قمه‌زنان، قمه‌های خون‌آلود، آهنگ مقطع و پرطنین «حیدر، حیدر» و گام‌های محکم و سنگین آن‌ها که با گفتن هر «حیدر» یک نیم‌گام برمی‌دارند، شکوه و ابهتی هراسناک دارد. قمه‌زنان کفن‌پوشانی هستند که گروه شهیدان را می‌نمایانند و برای شهادت، حرکتی، نه، که خروشی نمادین دارند. قمه‌زنی معمولاً در روزهای تاسوعا و عاشورا انجام می‌شود. در لاهیجان قمه‌زنان را کسانی که چوب‌های کوتاهی (کولاکوت) در دست دارند، همراهی می‌کنند و هنگام اوج هیجان، چوب را زیر قمه‌شان می‌گیرند تا قمه بر چوب فرود آید و قمه‌زن را آسیبی نرسد. قمه‌زنان پس از پایان کار همه با هم به حمام می‌روند و زخم خود را با آب حمام می‌شویند و دوباره به دسته‌های عزاداری می‌پیوندند. قمه‌زنی در گروه‌های بزرگ و متشکل از حدود بیست سی سال پیش به تدریج منسوخ شده است، اما هنوز هم آن‌ها که نذر دارند، هر صبح تاسوعا و عاشورا در جایی قمه می‌زنند و سپس وارد دسته‌های عزادار می‌شوند. قمه‌زنی در منطقه آستارا و نیز در دیلمان و سیاهکل و سایر نواحی شرقی گیلان رواج بیشتری داشت (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴: ۴۵۰/۳).

بابا صفری مولف کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ در مورد سنت قمه‌زنی در اردبیل مطلب مفصل و جالبی آورده است:

قمه‌زن‌ها جوانان و مردانی بودند که برای برآورده شدن حاجات خود در این روز قمه زدن بر سر خود را نذر می‌کردند و برخلاف عزاداران دیگر که پیراهن سیاه بر تن داشتند پارچه سفیدی به نام کفن برگردن می‌انداختند و با سر برهنه که وسط آن را با تیغ می‌تراشیدند در کنار دسته جای می‌گرفتند. این عده را به خاطر کفن‌های سفیدشان «آغ کونک» یا پیراهن سفید می‌گفتند. شبیه‌گردان‌ها نیز کسانی بودند که در آن روز با پوشیدن لباس‌های مخصوص صحنه‌هایی را به صورت جنگ عاشورا در میدانگاه‌های جلوی مساجد ترتیب می‌دادند. موضوع شبیه در محلات و دسته‌های مختلف فرق می‌کرد بعضی حالات جناب علی اکبر فرزند ارشد حضرت حسین بن علی^(ع) و برخی جنگ حضرت عباس بن علی^(ع) برادر دلاور سید الشهدا را مجسم می‌نمودند، ولی بیشتر شبیه‌ها مربوط به سرگذشت خود حضرت امام حسین^(ع) در میدان کربلا بود. پایان این صحنه‌ها با شهادت آن

قمه زن‌ها در دوره قاجار را حدس زد و ممکن است این مسئله تنها یک فرضیه باشد.

۳. سنت قمه زنی از دیدگاه سیاحان و سفرنامه‌نویسان خارجی

مباحثی از سوی سیاحان دوره قاجار بیان می‌شود که ممکن است از سوی تاریخنگاران اجتماعی بیان نشود. ادوارد براون یک سال در میان ایرانیان بیان کرده است:

از رسوم دیگر عزاداری محرم مراسم قمه‌زنی در دوره قاجار بود. عزاداران در روز عاشورا، کفن پوش در دسته‌های چند نفره اقدام به قمه‌زنی می‌کردند... در این بین رسومی مثل سنگ‌زنی، قفل آجین، زخم‌زنی و شمع آجین کردن بدن وجود داشت. قفل آجین کردن، بدن خودشان را سوراخ کرده و به آن قفل می‌زدند که کاری بسیار دردناک بوده و گاه به بیماری و عفونت فرد منجر می‌شد (براون، ۱۳۹۱: ۵۳۴-۵۳۵).

سون آندرس هدین جهانگرد سوئدی در حاشیه کویر ایران و شهر طبس عکس‌هایی از قمه‌زنی اهالی محلی گرفته است (تصاویری از شهر و مردمان طبس [سند]، ساکما، ۹۳۹۴۲۰۶).



تصویر ۴: قمه‌زنی در طبس

حضرت برگزار می‌شد و چون کار بدینجا می‌رسید قمه‌زنان، خود را به وسط میدان می‌انداختند و با قمه‌های تیزی که در دست داشتند بر سر خود می‌نواختند. به فاصله چند دقیقه خون سر و صورت و کفن‌های آن‌ها را رنگین می‌کرد و شبیه بهم می‌خورد. وضع شبیه و اثراتی که صحنه‌های گوناگون آن در روح قمه‌زنان می‌گذاشت در بعضی از آن‌ها شور و هیجان زیادی بوجود می‌آورد و لذا کسان آن‌ها یا اشخاص دیگری از حاضران برای مراقبت از آن‌ها به وسط میدان می‌آمدند و از محکم زدن قمه کسانی که هیجان زیادی می‌یافتند جلوگیری می‌کردند و با خواهش و تمنا و گاهی به زور قمه را از دست آن‌ها می‌گرفتند. گردش دسته‌ها در روز عاشورا در محیط محدود صورت می‌گرفت زیرا قمه زن‌ها هم با آن‌ها حرکت می‌کردند و چون خون زیادی از آن‌ها می‌رفت و خستگی می‌یافتند از این رو به محله‌های خود بر می‌گشتند. قمه زن‌ها در موقع راه رفتن قمه نمی‌زدند، ولی وقتی به میدانگاهی محلات دیگر می‌رسیدند یکی دو قمه و گاهی بیشتر نیز بر سر خود می‌نواختند. در کنار مسجدی به نام سلیمان‌شاه سقاخانه‌ای بود (و الان هم هست) بیشتر قمه زن‌ها وقتی بدانجا می‌رسیدند با شور و هیجان جدیدی قمه می‌زدند. در طول راه به تدریج بعضی از آن‌ها بی‌حال می‌افتادند و لذا مردم آن‌ها را سوار درشکه کرده به درمانگاه‌هایی که با اطبای محلی در خود محلات ترتیب می‌یافت می‌رسانیدند (صفری، ۱۳۷۰: ۱۳۹ تا ۱۴۱).

از نکات جالبی که از سوی بابا صفری گفته شده شکل بازآفرینی نمایش جنگ عاشورا است که به مراسم نمایش مصائب عیسی مسیح در مذهب کاتولیک شبیه است. شاید باید سال‌ها می‌گذشت تا از هنر سینما برای بازآفرینی حادثه کربلا بهره برد. فیلم فاخر روز واقعه به نویسندگی بهرام بیضایی و کارگردانی شهرام اسدی به ارتباط حضرت عیسی (ص) و امام حسین (ع) را نشان می‌دهد: «فردا در وادی وحشت، مسیح را در نینوا به صلیب می‌کشند». شاید قمه زن‌ها در کنار سوگواری، درصدد بازآفرینی حادثه کربلا با نمایشی زنده با تیغی تیز و برنده همراه با خونی واقعی به سراغ قمه‌زنی رفته باشند. با این وجود نمی‌توان ضمیر فکری

ساموئل بنجامین نخستین سفیر آمریکا در ایران عهد ناصرالدین شاه، در ایران و ایرانیان هنگام توصیف مراسم قمه‌زنی می‌نویسد:

سال ۱۸۸۴ میلادی من در تهران اقامت داشتم. دسته‌هایی در خیابان‌ها حرکت می‌کردند و احساسات تند و شدید بی‌سابقه‌ای از خود نشان می‌دادند... در این میان ناگهان جمعی سفیدپوش که کاردهایی در دست داشتند، پدیدار شدند که با هیجان زیاد کاردها را بالا برده و به سر خود می‌زدند و خون از سر آن‌ها و از کاردهایی که در دست داشتند، فواره می‌زد و سر تا پایشان را سرخ کرده بود. واقعاً که منظره دلخراش و بسیار تآثرآوری بود که هرگز نمی‌توانم آن را از یاد ببرم. کسانی که در این دسته‌ها قمه می‌زنند، گاهی اوقات آنقدر به هیجان آمده و یا خونی که از آن‌ها می‌رود (آن قدر زیاد است) که بی حال شده و روی زمین می‌افتند و حتی ممکن است اگر فوراً مداوا نشوند، جان خود را از دست بدهند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۸۴).

تعبیر نویسندگان مقاله «دیدگاه سیاحان غربی به مراسم محرم در دوره قاجار» تا اندازه‌ای تراوشات ذهنی خاورشناسان را تداعی می‌کند: «بنجامین بیشتر از ریشه یابی، نوعی مقابله با اسلام را در نظر دارد. او می‌خواهد نشان دهد که از کوزه همان تراوش کند که در اوست. چرا سیاحان برای تعزیه به دنبال ریشه‌یابی در یونان باستان می‌روند و قمه‌زنی را از متن اسلام و برخاسته از جغرافیای اسلامی می‌دانند؟ این مسئله غیرقابل انکار است که امثال بنجامین خواسته یا ناخواسته با این پیش زمینه که تمدن خاص غرب و بی‌تمدنی خاص شرق است هر آنچه را که جلوه‌های غیرانسانی در آن متبلور بوده است سنتی شرقی می‌دانند» (آیین‌وند و دهقان حسام‌پور، ۱۳۹۱: ۱۴). البته به غیر از تعبیری که نویسندگان این مقاله آورده‌اند، اگر اندکی عمیق‌تر سنت قمه‌زنی یا تطبیر (Tatbir) را از لحاظ تاریخی مورد بررسی قرار دهیم، این سنت با مراسم نمایش مصائب (Passion Play) در جامعه مسیحی کاتولیک بسیار شبیه است (Monk, 1998: 108). نمی‌توان جامعه اروپا را عاری

از خطا دانست. چنان که جامعه به ظاهر متمدن دارای مراسم‌های بسیار خرافی است و این احتمال دور از ذهن نیست که ضمیر فکری نمایش مصائب مسیح از طریق سنت قمه‌زنی، شکلی دینی و ایدئولوژیکی پیدا کرده و وارد فرهنگ شیعه شده است. ادوارد ییت در اثر خود خراسان و سیستان از اتفاق قمه‌زنی در مشهد یاد کرده است:

بعد از دسته قمه‌زن‌های کفن‌پوش، تعدادی بچه کوچک که آنان نیز کفن به تن داشتند از راه رسیدند، با کمال تعجب دیدم که اینان خیلی شدیدتر قمه‌زده بودند. آخر از همه بچه کوچک سه ساله‌ای بود که تمام سر خود را زخمی کرده بود و تمامی صورت وی از خون پوشیده بود، در حالی که او را بغل کرده و از معرکه بیرون می‌بردند هنوز چاقوی کوچک خود را در دست داشت (ییت، ۱۳۶۵: ۱۳۴).

ارنست اورسل جهانگرد بلژیکی دوره ناصرالدین‌شاه از نزدیک شاهد مراسم قمه‌زنی بود:

مراسم سوگواری ماه محرم ده روز ادامه دارد و در هر نمایش احساس ترحم نسبت به امامان و ابراز کینه نسبت به دشمنان آنان روز به روز زیادتر می‌شود تا اینکه سرانجام در تعزیه‌ای که نمایش شهادت امام حسین است، به آخرین حد خود می‌رسد. در آن روز غلامان سر و سینه خود را با ضربه قمه‌ها می‌درند و دسته‌های توبه‌کاران تا کمر لخت، با زخم‌های خون‌آلود، در کوچه‌ها راه می‌افتند. کسانی که بیش‌تر به هیجان آمده‌اند، با قمه و شمشیر گوشت برهنه بدن خود را چنان لت و پار می‌کنند که از خونی که از زخم‌هایشان روی زمین جاری می‌شود، می‌توان رد آن‌ها را تعقیب کرد... هر سال تعدادی از این قمه‌زن‌ها در اثر جراحاتی که به دست خود بر سرشان وارد می‌آوردند، از بین می‌روند. مرگ آن‌ها مرگ سعادت‌آمیزی است چون مطمئن هستند که بلافاصله لذات وصف‌ناپذیر بهشت را از نزدیک درک و لمس خواهند کرد و خاطره آنان چون یادبود مقدسین و شهدا پیش همگان همواره گرمی و محترم خواهد بود (اورسل، ۱۳۸۲: ۳۴۳).

همچنین فردریک ریچاردز سیاح انگلیسی که در سال ۱۳۰۴ به ایران سفر کرده درباره برگزاری تعزیه در اواخر دوره قاجار در ایران می‌نویسد:

در روز عاشورا صحنه‌های زیادی به معرض نمایش گذاشته می‌شود.... عده‌ای زنجیر زن و سینه‌زن به زنجیر زدن و سینه‌زنی مشغول می‌شوند.... این مردان و پسران پشت خود را برهنه می‌کنند و زنجیرهای خود را بر آن فرود می‌آورند تا پشتشان کبود و زخم شود. عده‌ی دیگر سینه‌های برهنه خود را با آهنک مخصوص با دست خود می‌زنند تا قرمز و حساس شود. این شلاق‌زنی همچنان ادامه دارد تا این اشخاص از خود به در شوند. سایر افراد تیغ می‌زنند و مقداری خون بر روی پیراهن‌های سفید خود می‌ریزند (اکنون در بازار شایع است که تیغ زدن عمل انسانی نیست) لکن عده زیادی از مردم کفن‌های خونین در بر می‌کنند و با خود قمه دارند در حالی که برخی دیگر شلاق‌هایی را که نوک آن‌ها با آهن ساخته شده است، در دست می‌گیرند.... این گونه عزاداری در کلیه دهات و شهرهای ایران ادامه دارد، اما در شهرهایی نظیر تهران و تبریز که تجدد بیشتر در آن‌ها رخنه کرده و بیشتر از سایر شهرهای این کشور از آداب مغرب زمین پیروی می‌کنند، با سیاست تمام می‌کوشند تا اندکی از این احساسات را فرو کاهند.... در اصفهان که دومین یا سومین شهر بزرگ ایران محسوب می‌شود شروع شده است به اینکه مراسم مزبور در بعضی از محل‌ها و نواحی به خصوص انجام گیرد (ریچاردز، ۱۳۸۹: ۲۳۹-۲۴۰).

ریچاردز به دلیل عدم آگاهی، کنترل دولت بر اوضاع را در قالب تجدد و پیروی از مغرب زمین تلقی کرده است.

در دوره پهلوی تغییر عمده‌ای در رویه قمه‌زنی به وجود نیامد. با وجود محدودیت‌هایی که رضاشاه بر مراسم عزاداری ماه محرم و تعزیه‌خوانی گذاشته بود باز هم قمه‌زنی به صورت مخفیانه انجام می‌شد و این مسئله از دید سیاحانی چون مریت هاکس که در دوره پهلوی وارد ایران شده کاملاً مشهود است. کتاب ایران، افسانه و واقعیت در باب برگزاری مراسم تعزیه و آداب و رسوم آن در ایران می‌نویسد:

دیدنی‌ترین مراسم شیعیان، ده روز سوگواری در آغاز محرم است... در این دهه در بازار و دیگر اماکن عمومی پرده‌هایی سیاه به در و دیوار می‌آویزند و در این ایام بسیاری از مردم لباس سیاه می‌پوشند. به طوری که تغییر شکل در کوچه و بازار کاملاً مشهود

است. در این مدت اصلاً ازدواج و یا مراسم جشن و سرور برگزار نمی‌شود و این ده روز با راه افتادن دسته‌ها و مراسمی کاملاً هیجان‌انگیز پایان می‌پذیرد که مردان بعد از رسیدن به اوج هیجان و خلسه خود را می‌زنند و یا با قمه و زنجیر خود را مجروح می‌کنند و هر سال چند نفری به علت جراحات وارده جان می‌سپارند (مریت هاکس، ۱۳۶۸: ۱۸۹-۱۹۰).

نکته جالب توجه در گزارش مریت هاکس این است که حکومت پهلوی اول با هرگونه تعصب خشک مذهبی مخالف است و حتی او در گزارش خود تاکید کرده بعضی از مقامات مسئول با خود اسلام مخالف بوده‌اند. مریت هاکس در جای دیگر می‌نویسد:

معمولاً برای عزاداری محرم چهار روز آخر تعطیل است، اما امسال (سال ۱۳۱۱) شاه‌آن را به سه روز تقلیل داده است و از کارهای فرعی و قدیمی مرسوم در دسته‌ها جلوگیری کرده است.... محدودیت شهربانی در نقاط مختلف کشور بر حسب آنکه مردمش متجدد باشند یا متعصب متفاوت است... در بعضی روستاها هنوز زنجیر و قمه مجاز است، به شرط آنکه قمه زدن سبب آسیب شدید نشود. در بعضی مناطق فقط در داخل روستا مذهبی‌ها می‌توانند پیش از سپیده‌ی صبح و به شرط آنکه فوراً به حمام عمومی بروند، پیشانی‌های خود را با قمه خراش می‌دهند. اما در بعضی روستاها آوردن زنجیر و قمه اصلاً مجاز نیست. در بعضی از شهرها به جای خون انسان، عزاداران را با خون گوسفند رنگ می‌کنند (مریت هاکس، ۱۳۶۸: ۱۸۹-۱۹۰).

چنین برداشت می‌شود که سفرنامه‌نویسان خارجی با برداشتی غیرواقعی در مورد قمه‌زنی صحبت می‌کردند. آن‌ها شاید درکی منطقی و درستی از مردم شرق نداشتند و تنها سایه‌ای از حقیقت را بیان می‌کردند (آیین‌وند و دهقان حسام‌پور، ۱۳۹۱: ۱۵). از سوی دیگر در فضای مجازی، برخی از اشخاص غیر آکادمیک و نظریه‌پردازان تئوری توطئه، ادعاهای اثبات نشده‌ای مبنی بر وجود اسناد حمایت بریتانیا از قمه‌زنی و بدعت‌گذاری آن در دوره قاجار بیان کرده‌اند. حتی این نظریه‌پردازان تصاویری در فضای مجازی برای اثبات ادعای خویش با این عنوان «اولین قمه‌زن عاشورا

سفیر انگلیس در ایران بوده است» پخش کرده‌اند. با اندکی بررسی این تصاویر دور از واقعیت می‌باشد. این تصویر مطلقاً ربطی به سفیر و سفارت انگلستان ندارد، بلکه عکسی است که فردریک سیمپیک آمریکایی در نجف گرفته و در مقاله‌ای با عنوان «نجف اسرار آمیز؛ مکه شیعیان» نخستین بار در سال ۱۹۱۴ در شماره ۲۶ نشریه نشنال جئوگرافیک منتشر کرده است (Simpich, 1914: 596).



تصویر ۵: قمه‌زنی در نجف عراق

۴. نتیجه‌گیری

قمه‌زنی به عنوان سنتی مذهبی و با ظاهری خرافی مورد توجه سیاحان، سفرنامه نویسان خارجی و مورخان ایرانی دوره قاجار قرار گرفته است. این سنت آن چنان با اعتقادات مذهبی جامعه شیعه عجین شده است که نمی‌توان تفاوتی میان سنت و خرافه برای عمل قمه‌زنی در دوره قاجار قائل شد. بسیاری از نظریه‌پردازان تنوری توطئه، تقویت سنت خرافات قمه‌زنی را عامل بیگانه و دولت بریتانیا معرفی کرده‌اند؛ ولی چندان این ادعا قابل اثبات نیست و هیچ سندی رسمی درباره این موضوع وجود ندارد.

ریشه تاریخی سنت قمه‌زنی به فرهنگ ترکان بر می‌گردد. شاید بتوان ادعا کرد که این سنت یا فرهنگ از جامعه ترکی وارد جوامع ایرانی شده است؛ یا با نگاه به تاریخ ادیان جهان، قمه‌زنی یا تطبیر (Tatbir)، به نوعی مراسم مذهبی در آیین مسیحیت کاتولیک با عنوان نمایش مصائب (Passion

play) اطلاق شده است. از دیدگاه فکری جامعه می‌توان گفت مردم ایران تلاش می‌کردند نوعی بازآفرینی جنگ در کربلا، صحنه عاشورا و تعزیه‌ای نمادین را اجرا کنند. از نگاه مورخان و تاریخنگاران ایرانی دوره قاجار که ذهنی متمایل به پیشرفت جامعه داشتند، این سنت عملی غیر قابل قبول و غیرشرعی بوده است. به روایت سفرنامه نویسان خارجی قمه‌زن‌ها در جامعه عصر قاجار، تبدیل به اشخاصی همردیف شهدا و جانبازان حادثه کربلا می‌شدند که با نفوذ خویش و احساسات پاکی که در جامعه آن دوران در هنگام مراسم محرم در مذهب تشیع وجود داشت، حرفشان حجت بوده و حتی توانایی آزادی زندانیان خطرناک را از زندان با توسل به رئیس پلیس و مقام پادشاه داشتند.

با ممنوعیت قمه‌زنی در دوره پهلوی باز هم پنهان کاری‌هایی از سوی برخی افراد وجود داشته است. این سنت از نگاه بهداشت عمومی و حتی طب سنتی اقدامی غیر علمی شناخته شده است؛ چرا که بسیاری از افراد جامعه به خاطر نگاه سنتی به قمه‌زنی جان خود را از دست داده‌اند.

در حدود سیصد سال با وجود مخالفت و فتوای حرام از سوی علمای شیعه، مراجع اعظام در لبنان، قم و نجف همانند احمد بن محمد اردبیلی، سید محسن امین حسینی عاملی، سید ابوالحسن اصفهانی، امام خمینی^(ره) آیت الله خامنه‌ای و بسیاری از مراجع تقلید شیعه، این سنت خرافی همچنان در بعضی نقاط دور افتاده ایران، عراق و هند در ماه محرم و صفر انجام می‌شود.

کتابنامه

- آینه‌وند، صادق و مهدی دهقان حسام‌پور، «دیدگاه سیاحان غربی به مراسم محرم در دوره قاجار»، نشریه پارسه، شماره ۱۸ و ۱۹، اردیبهشت و آبان ۱۳۹۱، صص ۱-۲۵.
- ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم محمد، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۴، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی، ۱۳۷۱.

- ابن طولون، محمدبن علی، **مفاککه الخلان فی حوادث الزمان**، ج ۱، به تحقیق خلیل عمران منصور، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- اصلاح عربانی، ابراهیم، **گیلان**، ج ۳، تهران: گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴.
- افشار، ایرج، **گنجینه عکس های ایران همراه تاریخچه ورود عکاسی به ایران**، تهران: نشر فرهنگ ایران، ۱۳۷۰.
- اورسل، ارنست، **سفرنامه قفقاز و ایران**، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
- براون، ادوارد گرانویل، **یک سال در میان ایرانیان**، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: اختران، ۱۳۹۱.
- بلوش، ویرت، **سفرنامه گردش روزگار در ایران**، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.
- بنجامین، ساموئل گرین، **ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه قاجار**، ترجمه محمد حسین کردبچه، تهران: جاویدان، ۱۳۶۳.
- جبوری، حسینعلی (۱۳۹۸): **ریشه های تاریخی آیین های سوگواری شیعیان (قمه زنی و زخمی کردن بدن)**، ترجمه هاله بادینده و فاطمه کیادربندسری، تهران: شیمبار.
- حسام مظاهری، محسن، «رسانه شیعه (سوگواری شیعیان ایران از آغاز تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی)»، **مجله اخبار ادیان**، شماره ۱۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، صص ۴۰-۴۷.
- دالمانی، هانری رنه، **از خراسان تا بختیاری**، ترجمه محمدعلی فرهوشی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- دولت آبادی، یحیی، **حیات یحیی**، ج ۲، تهران: عطار، ۱۳۷۱.
- رایس، کلارا کولبور، **زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان**، ترجمه دکتر اسد... آزاد، تهران: کتابدار، ۱۳۸۳.
- ریچاردز، فردریک چارکز، **یک مسافرت ایرانی**، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۸۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۹۳۹۴۲۰۶؛ ۸۰۹۳/۲۹۵.
- شهری باف، جعفر، **طهران قدیم**، ج ۲، تهران: معین، ۱۳۸۳.
- صفری، بابا، **اردبیل در گذرگاه تاریخ**، ج ۲، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، ۱۳۷۰.
- عبداللهی، نوراله و محمدعلی رنجبر، «قزلباشان ایناللو و قمه زنی در شهر چادگان»، **فصلنامه پژوهش های تاریخی**، شماره ۱۴، فروردین ۱۴۰۱، صص ۷۱-۸۴.
- عقابیان، ملیحه و سیده فاطمه طباطبایی، «شیعه انگلیسی»، **فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم**، شماره ۱۶، تیر ۱۳۹۶، صص ۲۰-۴۱.
- مریت هاکس، اونرا آملیا، **ایران: افسانه و واقعیت (خاطرات سفر به ایران)**، ترجمه محمدحسین نظری نژاد، محمد نقی اکبری و احمد نمایی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- مستوفی، عبدالله، **شرح زندگانی من**، ج ۱، تهران: زوار، ۱۳۸۴.
- معیری، دوستعلی خان، **رجال عصر ناصری**، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۹۰.
- بیت، چارلز ادوارد، **خراسان و سیستان**، ترجمه قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران: یزدان، ۱۳۶۵.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا، **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، ج ۲-۳، محقق و مصحح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
- Monk, Charlene Faye. **Passion Plays in the United States: The Contemporary Outdoor Tradition**. The Department of Theatre, Louisiana State University, LSU Historical Dissertations and Theses. First Advisor: Leslie A. Wade. 6691. 1998, https://repository.lsu.edu/gradschool_disstheses/6691.
- Simpich F. **Mystic Nedjef: The Shia Mecca**, Smithsonian Institution Libraries, Washington DC, 1914.